

## نشریه سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی bahramsjk@yahoo.com

سرمدیر: فواد عبداللهی foadsjk@yahoo.com

دنیا بدون فرافهان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "فطر" سوسیالیسم به چه منجلی بدل می‌شود؟ سه شنبه ها منتشر می‌شود

امروز ۵ نوامبر ۲۰۰۴، رفیق نبز احمدزاده بعد از چندین ماه مقابله با بیماری خونی که به آن دچار بود، متأسفانه در شهر کلن آلمان در سن ۳۰ سالگی گذشت.

با از دست دادن نبز همه ما هم‌رزمی سیاسی، دوستی صمیمی، انسانی فراموش نشدنی و رفیقی بزرگ و صبور را از دست دادیم.

در گذشت نبز را به خانواده عزیز او، به همه کسانی که او را میشناختند و به تک تک انسانهایی که سیمای دوست داشتی، پرشور و مهربان او را بخاطر دارند، صمیمانه تسلیت

می‌گوئیم. نبز از بنیانگذاران سازمان ما بود. در تمام لحظات مبارزه ای که در پیش داریم، نبز در کنار ما خواهد بود. در تهران، مشهد، سنجند یا اروپا، هر قدم پیروزی ما برای ایجاد جهانی آزاد و برابر یاد نبز را با خود به همراه خواهد داشت.

**هیئت اجرایی سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست**  
۵ نوامبر ۲۰۰۴

**نبز (NABAZ) عزیز دیگر در میان ما نیست!**



روز جمعه ۵ نوامبر ۲۰۰۴ نبز از موسسین سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست درگذشت!

در دفاع از خاتمی با افشای برنده و قاطع اپوزیسیون چپ به رهبری حکمت روبرو شده بود. میدی اعلام کرد که "دست خدا در خاورمیانه از آستین بوش بدر آمده است!" گفتند و تکرار کردند که یگانه حامی مردم فلسطین بوش است. زنان خاورمیانه با سیاست بوش نجات خواهند یافت. صف رای کابل را در حالیکه زنان محکوم به برقع ایستاده بودند، به عنوان جلوه موفقیت بوش نشان مردم می‌دانند. نم به صراحت میدید که جنبش راست، در دفاع علی اش، در تقلاهایش برای فروختن مبارزه مردم، در صراحت لهجه اش برای قالب کردن یک طرح و نقشه راست، تحمیل یک سناریوی سیاه به سرنوشت مبارزه ← ۲

و درشت جنبش ناسیونالیست پرو غرب با صراحت و ته مانده های جنبش ملی اسلامی در هیئت جمهوریخواهان ولو با احتیاط، دستپاچان را به هم مالیند. به هم تبریک گفتند، از مردم خواستند که "در شب قدر برای پیروزی جناب بوش دعا بخوانند"، علنا و رسماً در چشم مردم نگاه کردند و گفتند منجی نجات مردم ایران، "بوش"، دولت آمریکا و موشکهای کروز است. حزب دمکرات منتهاست بساط چراغ سبزش را با ناامید شدن از خاتمی جلو بوش پهن کرده است. از سوی این حزب به همین مناسبت پیام تبریک به بوش ارسال شد. اینها دست راستی ترین و جنایتکارترین سیاست بورژوازی جهانی را "ترقی" و "الترناتیو" نام نهادند. حرفهایی که یک صدم آن

قوم پرستان کرد عراق را اینها قبل از حمله به ایران بوسیله ماهواره ایفا کردند. حقیر ترین منافع طبقاتی خود، بی ارزشترین و پستترین سنن، فرهنگ و عقاید و اخلاقیات بورژوازی را " مدرنیته" و "عقلگرایی" نامیدند و تلاش کردند تا از مجرای این انتخابات، این سیاستهای بورژوازی و دست راستی را به افکار عمومی مردم ایران به عنوان بهترین راه حل بفروشد. کمپین انتخاباتی بوش برای ناسیونالیسم پرو غرب، یک کمپین سیاسی معین برای عروج دست راستی ترین سیاستها و افق برای سرنگون کردن نظام اسلامی هم در میان مردم و هم برای یکپارچه شدن صفوف خود این جنبش بود. در کنار امثال روحانی و سایر سران نظام که برای انتخاب بوش، قد تویش لاشان آب شد و نتوانستند جلو شادیشان را بگیرند، کسانی هم که حتی منتهاست از رسوایی دفاع از خاتمی دست شسته بودند، سر بر آورده و رسماً و علناً از هیئت حاکمه آمریکا که دستش به خون میلیونها نفر از مردم آلوده است، از بوش در راس این دولت حمایت کردند و مردم ایران را هم با وقاحت بی نظیری به حمایت فراخواندند. امثال نوریزاده، یا داریوش همایون، شخصیتهای ریز

### انتخابات آمریکا، پایکوبی اپوزیسیون راست و نمایندگان صاحب سرمایه!

**مهرنوش موسوی**

بوش و کری موفق شدند تا بوسیله دلار و زور سازمانهای امنیتی و مشاوریشان، قدرت کارتلهای تبلیغاتی، تحمیل مذهبی و همراهی کلیسا، احزاب مرتجع، فقدان حضور سیاسی و ابراز وجود اعتراضی طبقه کارگر آمریکا و اپوزیسیون واقعی، رلیکال و مشکل در صحنه، نبودن یک قطب کمونیستی بین المللی مقتدر، انتخابات این کشور را به یک صحنه جدال بر علیه شان، حقوق و منفعت مردم عراق، مردم ایران، افغانستان، مردم و بشریت متمدن کل جهان بدل کنند. مردم جهان میدانند که هر دو حزب در هیئت حاکمه آمریکا چندین دهه است که بر علیه بشریت متمدن و مردم آمریکا، سرنوشت سیاست را به نفع خود و بورژوازی بین المللی رقم زده اند. همان مردمی که در اعتراض علیه کشتار مردم عراق به صورت میلیونی به خیابان آمدند. بوش پیروزی خود و سیاست

**اعتراضات سراسری در دانشگاه ها! سروش دانش ۳**  
**۱۶ آذر پارسال، ۱۶ آذر امسال! رحمان حسین زاده ۵**

**رویای عراقیزه کردن جامعه ایران موقوف!**  
جمال کمانگر ۳

**کافی است پرچم حکمتیسم را در دسترس نسل جوان بگذاریم!** مصاحبه با فاتح شیخ ۵

**ساناز هستم، دختری ۱۸ ساله! ۸**

# زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به مناسبت مرگ نابهنگام نیز احمد زاده

ضایعه ای سخت برای جنبش کمونیسم کارگری، سازمان جوانان حکمتیست و برای همه ما، همه عزیزانش، بویژه پدر و مادر و برادران و دوست دخترش شیرین و بستگان او می باشد. این ضایعه را به همه و خانواده عزیز وی عمیقاً تسلیت می گوئیم.

در مبارزه برای آزادی و برابری و جامعه شایسته انسان، در هر گام پیشروی آن، نیز احمد زاده را در کنار خود داریم.



شایسته انسان و ایجاد دنیای پر از شادی و رفاه برای همه انسان ها و نسل جوان بر جای گذاشت. مرگ نابهنگام نیز احمد زاده یاد و خاطره نیز گرامی باد. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
۵ نوامبر ۲۰۰۴

و صمیمیت و تجارب زیادی از کار و فعالیت در راه رهایی انسان و تحقق جامعه آزاد و برابر و

با تاسفی عمیق، خبر درگذشت انسانی عزیز و صمیمی، چهره محبوب و دوست داشتنی، نیز (NABAZ) احمد زاده را دریافت کردیم. امروز ۱۵ آبان ۱۳۸۳ برابر با ۵ نوامبر ۲۰۰۴ نیز در سن ۳۰ سالگی و در نتیجه بیماری خونی مبتلا به آن در شهر کلن آلمان در گذشت. این واقعه برای کسانی که شانس آشنایی با او را داشتند، تکان دهنده است. نیز احمد زاده از فعالین پرشور جنبش کمونیسم کارگری، از کاردهای فعال و روشن بین حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بود. فعالیت سیاسی و انسان دوستی نیز احمد زاده، انطباق و پیوند عمیقی با جنبش انسانی کمونیسم کارگری داشت. در مدت کوتاه فعالیت سیاسی و حزبی، در میان جوانان و هر جا و هر محیطی که ظاهر شد، جنبش "اساس سوسیالیسم انسان است" را نمایندگی کرد. نیز عزیز عمر کوتاهی کرد. اما اثرات عمیقی از انسانیت، رفاقت

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran -  
Hekmatist

آرم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

### انتخابات آمریکا...

این جنبش مستلزم به جلو صحنه راندن رهبری کمونیستی، سیاستها و افق انقلاب سوسیالیستی این رهبری و جلب اطمینان خاطر مردم است. مستلزم بردن این نگرش است که به زیر کشیدن نظم لگن با افق و سیاست راست، با تحمیل این تصاویر نمایندگان صاحبان سرمایه و الیت بورژوازی طرفدار غرب در ایران توأم باشد، چه مخاطراتی و چه سرنوشتی در انتظار مردم است. این تلاش، بدون تامین رهبری مردم، تعجیل در روبرویی با این سیاستها، افق دادن و به خط کردن جنبش کمونیسم کارگری و تامین انسجام آن ناممکن است. باید فرصت را دریافت. جامعه منتظر نمی ماند. این وظیفه قبل از هر کس به عهده حکمتیستهاست. باید کمپین پوزیسیون بورژوازی را رسوا کرد.

مردم ایران، گمراهی به جلو آمده است. ایلی از رو کردن وقیحانه دستش ندارد. تلاش میکند دبیرش ناشی از شکست شعار رفراوندوم و به میدان آوردن آزادی و برابری را به این وسیله جبران کند. گویی سدی در مقابل نیست. علیه این کارزار و تقلائی راست لپوزیسیون برای تحمیل سیاستهای به غایت ارتجاعی به مبارزه مردم باید ایستاد. یگانه راه تثبیت افق سوسیالیستی، تضمین پیروزی مردم، افشای بی امان این جنبش است. این یکی از تقابلات سخت در درون جنبش سرنوشتی است که به پلاریزاسیون سیاسی و طبقاتی این جنبش و شکل گیری و سنگربندی اردوی کار در مقابل اردوی سرمایه منجر خواهد شد. تقابل با عقیده، آراء، سیاستها و افق

## نیز احمد زاده ما را ترک کرد

کوروش مدرسی

امروز رفیق بسیار عزیز ما نیز احمدزاده بعد از جدالی کوتاه با یک بیماری نادر خونی ما را ترک گفت. نیز تازه ۳۰ سالش شده بود؛ عاشق انسان، عاشق زندگی و همیشه سرشار از حیات بود.

نیز کمونیستی بشدت دوست داشتنی، جسور، روشن، تیز و عمیق بود که رد پایش برای همیشه در جنبش کمونیسم کارگری و در سنت منصور حکمت خواهد ماند و همیشه جای خالیش در میان رفتایش و در قلب همه ما خالی باقی خواهد ماند. نیز قلب ما بود همه ما قلبمان را از دست دادیم.

وقتی بغض گلو را میفشارد چگونه میتوان خانواده او را دلداری داد؟ اما به خود اجازه میدهم از جانب همه اعضا و دوستداران حزب و از جانب همه اعضا و دوستداران جوانان حکمتیست به رفتای عزیزمان پروانه، عمر، زردشت و زرگار یاد احمد زاده و همچنین شیرین عزیز و همه رفتای دیگرش تسلیت بگویم.

نیز ما را ترک گفت اما یادش و حاصل کارش در حزب و در سازمان جوانان حکمتیست و در نسل جوانی که به همت او چشمشان به یک دنیای بهتر باز شده است همواره با ما خواهد بود.

۵ نوامبر ۲۰۰۴ - ۱۵ آبان ۱۳۸۳

پیام ها و  
اطلاعیه های  
متعددی به دست  
نشریه جوانان  
حکمتیست رسیده  
که در آن مرگ  
نیز را به  
خانواده، بستگان  
و دوستان نیز  
تسلیت گفته اند.  
متأسفیم که جای  
کافی برای نشر  
همه آنها نداریم!

## نیز (NABAZ) عزیز

را از دست دادیم!

بهرام مدرسی

تلخ ترین خبری که میشود تصورش را کرد، امروز صبح مجبور شدم به اطلاع شما عزیزان برسانم. نه به ز عزیز، دوست گرامیم. انسانی که هیچ گاه لبخندش، رفاقتش، صمیمیتش، صبر و پشتکارش، کمونیسمش، انسان دوستیش، حکمتیسمش، بازی گوشیش و حتی رقص زیبایش را فراموش نخواهم کرد، دیگر در میان ما نیست. از دست دادن نه به ز را باید به خانواده گرامیش به رزقتش، زرگار، پروانه و عمر و شیرین عزیز تسلیت گفت. باید به همه کسانی که شانس این را داشتند که با او آشنا شوند تسلیت گفت، باید به همه آن جوانانی که کمونیسمشان را از نه به ز آموختند تسلیت گفت.

از دست دادن نه به ز را باید به همه انسانهایی که جهانی آزاد و برابر حششان است و نه به ز آرزوی شرکت در جشن پیرویشان را داشت، باید تسلیت گفت. ای کاش این بیماری لعنتی نه به ز را از ما نمیگرفت. من مثل بسیاری از شما شانس آشنایی با نه به ز را داشتم. من از جمله کسانی هستم که افتخار مبارزه مشترک برای انسانیت و آزادی را در کنار او پیدا کردم.

نه به ز ۳۰ سال عمر کرد. حقتش بود که سالهای بیشتری در کنار خانواده اش، ما و همه آن کسانی که میتوانستند با او آشنا شوند، زندگی کند. بسیار متأسفم که او را از دست دادیم.

هیچ چیز نمیتواند جای خای او را پر کند. به همه شما عزیزان تسلیت می گویم.

## رؤیای عراقیزه کردن جامعه ایران موقوف!

(در حاشیه انتخاب مجدد بوش)  
جمال کمانگر



انتخاب مجدد جرج بوش برای چهار سال دیگر با عکس العمل سرد و توأم با نگرانی در میان اکثر کشورهای جهان و جنبش ضد جنگ و قطب متمدن جهان مواجه شد. سیاست های اعلام شده توسط جان کری و جرج بوش اینقدر به هم نزدیک بودند که تخصص ویژه ای مطلبید که آنها را از هم تفکیک کرد.

ولی با این وصف شکست بوش میتوانست به طور سمبولیک شکست افسار گسیختگی راست ارتجاعی در آمریکا و پیروزی مردم عاصی از سیاستهای جنگ طلبانه جرج بوش در چهار سال گذشته باشد. سیاستهای بوش فقط جنگ و کشتار مردم بی نفاع و نا امنی جهان نیست. فقط دامن زدن به مسابقه تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی نیست. بلکه بعد از تقراض دایناسورها برای محیط زیست نیز محسوب میشود. بوش با این کار نامه سیاه بعنوان منجی جریانات راست و ارتجاعی در صحنه سیاست جهان تبدیل شده است. بی دلیل نیست که جریانات سلطنت طلب و راست اپوزسیون ایران هم به کمپین انتخاباتی بوش پیوستند. امکانات تبلیغیشان مانند رادیو و تلویزیون را به خدمت گرفتند تا بلکه "مستر بوش" بار دیگر انتخاب شود. اینها زمانی که در سراسر جهان دهها میلیون نفر علیه جنگ افروزی هیات حاکمه آمریکا به خیابانها ریختند. با شلیک اولین موشک به خانه و کاشانه مردم عراق به خیابانهای لوس آنجلس آمدند و از بوش تشکر کردند. با انتخاب مجدد بوش جریانات ناسیونالیست ایرانی با سلطنت و بی سلطنت رؤیای عراقیزه کردن ایران را در سر میپوراندند. رأی آنها و اعلام حمایتشان از بوش رأی به کشتار مردم بی نفاع و ویرانی جامعه است. آنها حمایتشان نه از زاویه منافع مردم بلکه از زاویه به قدرت رسیدن خود به قیمت نابودی جامعه است و اما این اعلام حمایت در سطح محلی هم از زبان جریانی که تمام حیات سیاسی پادویی و انتظار به بازی گرفتن از سوی دولت

مرکزی بوده است. بیان شده است. مصطفی هجری دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران با عجله سرسپردگی خود را به ماشین جنگ و کشتار بوش اعلام میکند. طی پیام تیرکی به بوش چنین میگوید: "انتخاب مجدد برای بار دوم جای خوشحالی ایرانیها به طور کلی و بخصوص مردم کردستان است." در این شکی نیست که جای خوشحالی برای حزب منکوروب است که سیاستهای همیشگی نان به نرخ روز خوری است. حزبی که تمام حیات سیاسی چندین ساله اش مشغول بند و بست با جمهوری اسلامی بوده است. همین چند هفته پیش بود که هجری آمادگی حزب منکورش را برای مذاکره با رژیم اسلامی اعلام کرد. این حزب و اپوزسیون دست راستی در حسرت منجلابی شبیه عراق هستند تا در آن به رشد و نمو خود ادامه دهند. در همین راستا "خوشحالی" خود را در انتخاب مجدد بوش به "خوشحالی" مردم ارتقاء میدهند.

هجری رؤیای سناریوی سیاهی که آمریکا و متحدانش در عراق بر مردم ستمیده لرزانی داشتند را برای مردم ایران انتظار میکشد. سناریویی که طبق گزارش روزنامه ایندپندنت چاپ لندن از زمان سقوط حکومت بعث "بیش از صد هزار نفر از مردم بی دفاع جان خود را از دست داده اند". شیرازه زندگی به هم ریخته است. فضا برای رشد جریانات فوق ارتجاعی اسلامی و ناسیونالیستی فراهم شده است. این نتیجه دمکراسی صدارتی موشکهای کروز است. مردم ایران باید هوشیار باشند نباید تحت تأثیر چنین فضایی که جریانات دست راستی اپوزسیون در صدد باد زدن آن هستند قرار گیرند. مردم باید جریانات سلطنت طلب و ناسیونالیست و شاخه های محیطشان مانند حزب دمکرات را افشا و طرد کنند. تنها راه بی درد سرو مطمئن سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی با نیروی خود مردم و برپایی جامعه ای آزاد و برابر است.

## ... علم و صنعتی ها با اتحاد خود توانستند بسیج را زمین گیر کنند و دخترشان را به آتش بکشند!

... در هر دانشگاهی علیه دستگیری های اخیر اقدام کنید!  
... یادتان باشد که ۱۶ آذر را هم در پیش رو داریم!



سروش دانش (تهران)

"دانشجو بیدار است از سیدعلی بیزار است." این یکی از شعارهایی بود که در تجمع دانشجویان علم و صنعت و درگیری آنها با گله پشمالوهای بسیجی داده شد. در هفته گذشته باز هم یکی از دانشگاههای تهران و این بار علم و صنعت محل تجمع و درگیری دانشجویان و بسیجیان بود. در پی جلسات بحث سیاسی در مورد انتخابات این درگیری ها شروع شد و با گروگان گیری دکتر صالحی (رئیس دانشگاه علم و صنعت) ادامه یافت. این درگیری و زد و خورد تا شب ادامه داشت و می توان گفت بسیجی ها و گله های اسلامی در این دانشگاه ضربه سختی خوردند. همچنین شعارها بسیار تند و بر علیه رژیم اسلامی و شخص خامنه ای بود.

دوستان جوان من باید هر چه سریعتر نسبت به این دستگیری ها عکس العمل فوری نشان داد. نباید گذاشت جمهوری اسلامی از این که هست ندانش را تیزتر کند. باید بتوانیم مقابل این حرکات فاشیستی و ضد انسان جمهوری اسلامی خیلی سریع عکس العمل نشان داد. حرکت ها و اعتراضات دانشجویی نشان داده خیلی زود و با تلنگری شعارهای خود را به مقام اول دولت و سیستم حاکم پرتاب می کند و همین یکی از نقاط مثبت این اعتراضات است. اما به وضوح باید مطالبات را بیشتر از آن چیزی که خواسته های دانشجویی و خواستگاههای آن می طلبد صدا زد و به میدان آورد. چرا نباید در یک اعتراض و تحصن چند ساعته دانشجویی اسمی از زندانیان سیاسی و حکم اعدام و سنگسار چندین زن و کودک در چند ماه گذشته را مطرح کرد. نو خردادی آبرو همه پروژه اش در دانشگاه این بود که بتواند دانشجویان را به مسائل صنفی دانشجویی مشغول و سرگرم سازد و صلابته موفق نشد. اما دوستان جمهوری اسلامی بیکار نمی نشینید. نگذاریم بتواند با مشت اسلامی بر دهان خیل عظیمی از آزادیخواهان و انسان دوستان مترقی را سرکوب کند و از بین ببرد. ما نشان دادیم که حتی می توانیم در ماه رمضان که تعرض و تخریب اسلامی دست بالا را می گیرد در بیشتر دانشگاهها غذاخوری ها را باز نگه داشته و به قوانین پوسیده اسلامی نه بگوییم. و صد چندان هم نشان دادیم که می توانیم جلوی جمهوری اسلامی عرض اندام کنیم. حتی جایی که به خون کشیده شد جنبش دانشگاهی توسط بسیجی ها و سپاهی ها مردم نشان دادند که پشت سر ما ایستاده اند و نسبت به تعرض های جمهوری اسلامی ساکت نمی نشینند و همین ما را موظف می کند فقط به

مسائل دانشجویی نپردازیم. سعی کنید در هر دانشگاهی بر علیه دستگیری های جدید شعار نویسی کنید. متینگ برگزار کنید، در نشریات بنویسید. در یک کلام هم جمهوری اسلامی را افشا کنید، هم حول مطالبات رادیکال و مدرن جمع شوید. دانشجویان علم و صنعت توپ و تانک و مسلسل نداشتند اما با یک اتحاد و همبستگی توانستند بسیج را زمین گیر کنند و دفتر بسیج را به آتش بکشند. این اعتراضات و جنبش ها را می توان و باید سر مسائل دستگیری های اخیر هم داشت. چون اگر امروز و فوری جلوی جمهوری اسلامی نیاستیم فردا باید سر نفس کشیدن مان هم از دستورات آن پیروی کنیم. تا اعتراضات جمهوری اسلامی بیش از این نشده باید جلوی آنها ایستاد.

ن نباید اجازه داد فضای رعب و وحشت را در جامعه ایجاد کند. جمهوری اسلامی از ابتدا با ایجاد رعب و وحشت توانست بر ایران حاکم شود و در مقابل جنبش سرنگونی هم چاره ای جز سرکوب ندارد. اما این بار وضعیت فرق دارد. نه توازن قوای داخل کشور و نه در سطح بین المللی به نفع آنها نیست و باید از این موقعیت کمال استفاده را کرد.

مخصوصا در جلوی رویمان ۱۶ آذر و بعد از آن انتخابات مضحک ریاست جمهوری را داریم. از این فضای سیاسی باید استفاده کرد و جنبش سرنگونی را هر چه پیش تر به جلو برد. اما این بدون یک سازمان دهی مشخص امکان ندارد. بدون سازمان به در و دیوار خوردن در یک توئل تاریک است، اما ما صبح آزادی و برابری را می خواهیم.

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست بپیوندید.

مسلک های خود را به مقام اول دولت و سیستم حاکم پرتاب می کند و همین یکی از نقاط مثبت این اعتراضات است. اما به وضوح باید مطالبات را بیشتر از آن چیزی که خواسته های دانشجویی و خواستگاههای آن می طلبد صدا زد و به میدان آورد. چرا نباید در یک اعتراض و تحصن چند ساعته دانشجویی اسمی از زندانیان سیاسی و حکم اعدام و سنگسار چندین زن و کودک در چند ماه گذشته را مطرح کرد. نو خردادی آبرو همه پروژه اش در دانشگاه این بود که بتواند دانشجویان را به مسائل صنفی دانشجویی مشغول و سرگرم سازد و صلابته موفق نشد. اما دوستان جمهوری اسلامی بیکار نمی نشینید. نگذاریم بتواند با مشت اسلامی بر دهان خیل عظیمی از آزادیخواهان و انسان دوستان مترقی را سرکوب کند و از بین ببرد. ما نشان دادیم که حتی می توانیم در ماه رمضان که تعرض و تخریب اسلامی دست بالا را می گیرد در بیشتر دانشگاهها غذاخوری ها را باز نگه داشته و به قوانین پوسیده اسلامی نه بگوییم. و صد چندان هم نشان دادیم که می توانیم جلوی جمهوری اسلامی عرض اندام کنیم. حتی جایی که به خون کشیده شد جنبش دانشگاهی توسط بسیجی ها و سپاهی ها مردم نشان دادند که پشت سر ما ایستاده اند و نسبت به تعرض های جمهوری اسلامی ساکت نمی نشینند و همین ما را موظف می کند فقط به

مسلک های خود را به مقام اول دولت و سیستم حاکم پرتاب می کند و همین یکی از نقاط مثبت این اعتراضات است. اما به وضوح باید مطالبات را بیشتر از آن چیزی که خواسته های دانشجویی و خواستگاههای آن می طلبد صدا زد و به میدان آورد. چرا نباید در یک اعتراض و تحصن چند ساعته دانشجویی اسمی از زندانیان سیاسی و حکم اعدام و سنگسار چندین زن و کودک در چند ماه گذشته را مطرح کرد. نو خردادی آبرو همه پروژه اش در دانشگاه این بود که بتواند دانشجویان را به مسائل صنفی دانشجویی مشغول و سرگرم سازد و صلابته موفق نشد. اما دوستان جمهوری اسلامی بیکار نمی نشینید. نگذاریم بتواند با مشت اسلامی بر دهان خیل عظیمی از آزادیخواهان و انسان دوستان مترقی را سرکوب کند و از بین ببرد. ما نشان دادیم که حتی می توانیم در ماه رمضان که تعرض و تخریب اسلامی دست بالا را می گیرد در بیشتر دانشگاهها غذاخوری ها را باز نگه داشته و به قوانین پوسیده اسلامی نه بگوییم. و صد چندان هم نشان دادیم که می توانیم جلوی جمهوری اسلامی عرض اندام کنیم. حتی جایی که به خون کشیده شد جنبش دانشگاهی توسط بسیجی ها و سپاهی ها مردم نشان دادند که پشت سر ما ایستاده اند و نسبت به تعرض های جمهوری اسلامی ساکت نمی نشینند و همین ما را موظف می کند فقط به

این اولین درگیری در طی ماههای اخیر نیست. چندین مورد تحصن و درگیری در هفته های پیش سر وضعیت خوابگاهها و غذا در دانشگاههای مختلف ایران داشتیم. این اعتراضات تا به آنجا بود که خامنه ای در سخنرانی این هفته خود مجبور شد لب از لب بگشاید و این را بگوید که: "عده ای قصد دارند در محافل کارگری و دانشجویی و معلمان و .... دست به آشوب و اعتراض بزنند که با نیروهای مخلص نظام جلوی این خرابکاری ها را می گیریم." در چندین ماه اخیر کم سابقه بود که خامنه ای این چنین در سخنرانی خود را مستاصل نشان دهد. از یک طرف تحصن و اعتصاب کارگران در نقاط مختلف ایران از جمله سندانج را می بیند و از طرف دیگر روزهای سخت مقابل دانشجویان و در برهه های زمانی دیگر هم اعتراضات معلمان و پرستاران.

اما رژیم اسلامی در چند هفته اخیر عملیات دستگیری فاشیستی خود را بیش از پیش افزون کرده است. دستگیری فعالین حقوق زن و ان جی او ها و همراه بردن کامپیوتر شخصی آنها در وزارت اطلاعات و بازپرسی و شکنجه روحی و جسمی از جمله هایی هر چندان کم از این رژیم منحوس اسلامی است. فرشته قاضی، محبوبه عیاسقی زاده و در آخر هم شهریانو زارعین به دلایل نامعلومی توسط وزارت اطلاعات بازداشت شده اند. همچنین دستگیری چندین ویلاگ نویس در اخبار آمده بود و سیستم فیلترینگ اسلامی این بار یقه ویلاگ ها را هم گرفته است.

## ۱۶ آذر پارسال، ۱۶ آذر امسال



### رحمان حسین زاده

جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه تبدیل شد. پلاکارد زیبای آزادی و برابری و دستهای اتحاد همراه آن، حمایت از کارگران پتروشیمی که در دانشگاه تهران بالا رفت به طرز برجسته و نمونه‌نوری، تجسم پیشروی چپ بود.

### نقش کلیدی فعالین و

### شبکه‌های کمونیستی

پیشروی سال گذشته و نقش بسند آزادی و برابری بر مبارزات و

ناپنیر نیست. بسیاری فاکتورها خارج از اراده ما وارد محاسبه میشود. درک درست این فاکتورها و نقش عنصر فعاله شروع درست اقدامات ما است. در مصاحبه‌ها و نوشته‌های رفقای دیگر به جنبه‌هایی از این مسائل پرداخته شده و من در اینجا به جنبه‌هایی اشاره میکنم. امیدوارم در فرصت باقیمانده جوانب مختلف را بیشتر تحلیل و بررسی کنیم. جمهوری اسلامی اتفاقا بعد از تحریک ۱۶ آذر سال گذشته و بعد از ابراز وجود پر قدرت جنبش آزادی و برابری در ۸ مارس امسال، خطر را جدی‌تر احساس کرد. مقابله جدی‌تری را با جنبش اعتراضی و بویژه جنبش آزادی و برابری در دستور گذاشته است. یکسخت شدن بیشتر هیئت حاکمه‌اش به دنبال نتایج‌های مجال مانورهای سرکوبگرانه را برایش ایجاد کرد. از مقطع ماه مه امسال بگیر و ببندها و دستگیریها و تهدیدات را شروع کرد. در مقطع ۱۸ تیر امسال این سیاست را گسترش داد.

شبکه‌های کمونیستی مبارزه در دانشگاه را می‌طلبید. تحریک اعتراضی کنونی در دانشگاه‌ها، هم اکنون به احیای یک روحیه تعرضی در مقابل رژیم اسلامی تبدیل شده است. کرحتی و سستی چند ماه قبل فضای جنبش اعتراضی سپری شده است. این موقعیت پیش‌درآمد مساعد برپایی ۱۶ آذر موفق و خوب است.

یک جنبه مهم اینست که فعالین و شبکه‌های کمونیستی در دل اعتراضات جاری میتوانند، خود را گسترش دهند. متحد و همکار و هم‌جنس خود را پیدا کنند. هماهنگی و همگامی ایجاد کنند. تجارب را نقل کنند. طرح و نقشه مشترک داشته باشند. اتحاد و هماهنگی و همکاری فعالین و شبکه‌های کمونیستی مبارز و دخیل در فعال و فعالیت در سطح یک دانشگاه و با دانشگاه‌های دیگر، کلید پیشروی حرکت رادیکال و چپ در دوره کنونی است. شبکه مبارزاتی و کمونیستی از فعالین با نفوذ و معتبر محور هر تحریک جدی و حرکت رادیکال و توده‌ی ۱۶ آذر امسال خواهد بود. متحد و سراسری کردن و قدرتمند کردن حرکت چپ در گرو کارکرد فعالین و شبکه‌های کمونیستی است.

### ۱۶ آذر امسال و

### شعار آزادی و برابری

مطالبات صنفی و سیاسی متعددی مطرح است. ایجاد بهبود و گشایشی در شرایط تحصیلی و محیط آموزشی، علیه سانسور و اختناق، علیه جداسازی و آپارتاید جنسی، کوتاه کردن دست انجمنهای اسلامی و عوامل جمهوری اسلامی در دانشگاه و محیط آموزش و .... همه اینها معتبرند و میتوانند چارچوب قطعنامه و ادعای اعتراض دانشجویی باشند. در این میان زنده‌باد آزادی و زنده‌باد برابری، جایگاه محوری دارد. تجربه سال گذشته همین را میگوید و مهمتر آزادی و برابری حرف دل توده وسیع مردم و بخشهای معترض جامعه است. متحد کننده و بسیج‌گر است. ۱۶ آذر امسال میتواند و باید مثل سال گذشته پرچم آزادی و برابری را برافرازد. پلاتفرم آزادی و برابری ناظر شدن رادیکالیسم بر فضای سیاسی و جنبش اعتراضی است. جریان رادیکال و کمونیست میتواند این را تضمین کند.

فعالیت آگاه‌گرانه چندین ساله کمونیسم کارگری و هم حاصل تغییر تناسب قوا به نفع مبارزه جویی دانشجویان و مردم در دوره بعد از ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر سال گذشته و فراهم شدن شرایط مساعد بر افراشتن این پرچم آزادیخواهان بود. دانشجویان مبارز و کمونیست با به دست گرفتن پرچم جنبش متمایز خود و با تشخیص شرایط مساعد، مهر جنبش آزادی و برابری را کوبیدند. نقطه عطفی را که از آن صحبت میکنیم، ممکن کردند. اتفاقات مشخص و مهمی در همان سال ۸۲ پیش زمینه ۱۶ آذر سال گذشته بودند. در ۸ مارس و اول مه ۱۳۸۲، جنبش آزادی و برابری پیشروی جدی نمود. مهمتر از آنها تحریک اعتراضی

### زنده باد آزادی،

### زنده‌باد برابری

چند دهه است که ۱۶ آذر سمبل جنبش اعتراض دانشجویی علیه استبداد، اختناق و سانسور و تعدیات و زورگویی رژیمهای سلطنت و جمهوری اسلامی در محیط دانشگاه و در جامعه است. هفته‌ها و روزهای قبل از ۱۶ آذر هر ساله برای نو سوسی این مبارزه، دوره‌ای از تدارک و آماجش و سازماندهی و به میدان آمدن برای پیشبرد هدف تعیین شده است. به عقب راندن بیشتر قدرت حاکمه و استبداد، شکستن فضای اختناق و سانسور، بهبود شرایط تحصیل و زندگی و بویژه در دوره جمهوری اسلامی کوتاه کردن دست مذهب در زندگی و تحصیل و محیط دانشگاه از اهداف فوری تحریک دانشجویی بوده است. امسال و از هم‌اکنون این جنب و جوش و تحریک سیاسی و اعتراضی شروع شده است. جنب و جوش و تحریک اعتراضی امسال، بعد از ۱۶ آذر سال گذشته توقعات و انتظارات نوینی را مطرح کرده است.

### ۱۶ آذر سال گذشته:

### نقطه عطف مهم

تحریک دانشجویی ۱۶ آذر سال گذشته نقطه عطف مهمی نه تنها در اعتراضات دانشگاه و دانشجویان، بلکه در جنبش اعتراضی آزادیخواهان ایران بود. بر افراشتن پرچم آزادی و برابری، چکیده یک تحول و پیشروی مهم است. این اتفاق فی‌البداهه نبود. حاصل کار چند هفته و چند ماه نبود. جنبش باز گرداندن اختیار به انسان، جنبش پایان دادن به تبعیض و استعمار و رهایی انسان، جنبش آزادی و برابری، سالهاست کار خود را شروع کرده و تأثیرگذار بوده است. راستش عروج آزادی و برابری، در سال گذشته صرفا حاصل تبلیغ و ترویج و گفتن و نوشتن بیشتر هم در مقطع هفته و روزهای قبل از روز شانزده آذر سال گذشته نبود. بلکه هم حاصل



این سیاست و ترفندهای آشنای دیگر رژیم به عنوان فاکتور مهم بر فضای سیاسی و جنبش اعتراضی هم در اول مه و هم در مناسبت ۱۸ تیر امسال تأثیر گذاشت. دامنه جنبش اعتراضی رادیکال را محدود نمود. هر چند جنب و جوش اعتراضی دو ماهه اخیر در دانشگاه و در محیط‌های کارگری نشانه دوره مساعدتری است. اما هنوز نباید به سیاستهای تهدید و سرکوب رژیم و ترفندهای که توسط انجمنهای اسلامی و دیگر عوامل خود برای مقابله با ۱۶ آذر به میدان میکشند، مطلقا بی‌توجه بود. خنثی کردن توطئه‌های رژیم توجه جدی رهبران و

تحریک دانشجویی، قاعدتا مبنایی برای برداشتن گامهای بعدی و پیشروی جدی‌تر است. آیا این اتفاق میتواند بیفتد؟ به نظر من میتواند. به شرطی که دانشجویان کمونیست با چشمان باز و تشخیص درست مسیر را طی کنند. به شرطی که فاکتورهای مساعد و نامساعد را به درستی بشناسیم. به شرطی که متوجه باشیم در شرایط حاکمیت سپاه و سرکوبگرانه رژیمی که با انواع شیوه و شگرد، با انواع ترفندها و ابزارها و موانع در فکر کنترل جامعه است. پیشروی و گام برداشتن جنبش آزادیخواهان به جلو خطی و مستقیم و اجتناب

۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر سنگ تمام گذاشت. هم به لحاظ دامنه و طول مدت اعتراض و هم به دلیل رادیکالیسم ناظر بر آن و هم به لحاظ نقش مستقیم کمونیسم کارگری و نحوه دخالت رهبری و حزب کمونیستی تحول جدی در صحنه سیاست ایران بود. این تحریک علاوه بر عقب راندن جمهوری اسلامی، اپوزیسیون راست و شعار و پلاتفرم و رفتارنوم آنها را نیز عقب راند. کمونیسم کارگری و چپ در این کشمکش پیشروی جدی نمود. در این بطن ۱۶ آذر سال گذشته و تحریک دانشجویی به صدای رسای

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## کافی است پرچم حکمتیسم را در دست نسل جوان بگذاریم!



مصاحبه ای ترتیب داده ایم  
با فاتح شیخ رئیس دفتر  
سیاسی حزب کمونیست کارگری  
ایران - حکمتیست راجع به  
نیازهای جوانان ایران در  
دنیا امروز و رابطه آنها با  
فرهنگ غرب که بخش اول آن  
را در این شماره می خوانید!  
fateh\_sh@yahoo.com

نسل جوان با حرکت از آرزوها و امیال خود و با بکار گرفتن اراده جسورانه و انقلابی اش، به حرکت جامعه جهت میدهد. چند ماه پیش جوانی در تهران در جواب "خبرنگاران بدون مرز"، درباره دلیل مخالفتش با "وضع موجود" گفته بود برای تحقق سه نیاز اولیه شغل و مسکن و تشکیل خانواده، به انقلاب احتیاج دارد! این جمله ساده، فشرده تناقض زندگی نسل جوان با رژیم اسلامی، با موازین ضد انسانی آن و کلا با الزامات حکمیت و سودآوری سرمایه در کشوری مثل ایران است. به این نیازهای اولیه، مجموعه نیازهای متنوع یک زندگی باحال و غنی و رنگی، که فرهنگ نسل جوان امروز است، را اضافه کنید، معنی عملی تحقیقتان چه میشود؟ به نظر من چیزی کمتر از سوسیالیسم نمیشود. سوسیالیسمی که همین امروز ممکن است. دسترسی جوانان به موزیک مجانی در kaza و napster و غیره و خیلی امکانات اینترنتی که برای شکوفایی استعدادهایشان در دسترس است، جلوه ای از امکاناتی است که تحقق شعار "به هر کس به اندازه نیازش" با تکنولوژی امروز است. نسل جوان، میتواند خیلی فراتر از انداختن رژیم و زدن زیراب معیارهای اسلامی برود. بسته به اینکه کدام جنبش اجتماعی پرچمدار جوالبگویی به نیازهایش باشد.

جوانان حکمتیست: کدام جنبش؟ سوال مهمی است. چه جنبش هایی در این زمینه مطرحند؟

فاتح شیخ: جنبش کمونیسم کارگری و حکمتیسم جنبش حی و حاضری است که قادر به جوالبگویی تمام و کمال به نیازها، خواستها و آرزوهای نسل جوان امروز در ایران است. کافی است پرچم حکمتیسم در دسترس نسل جوان باشد تا آن را به دست بگیرد. این کار ما و بخصوص کار جوانان حکمتیست است.

اما اپوزیسیون راست هم در تلاش است که خود را پرچمدار جوالبگویی به نیازهای نسل جوان قلمداد کند؛ به جوانان "میهن" ندا میدهد که علیه رژیم اسلامی بپا خیزند، ولی میخواهد ضمنا اسلام و معیارهای اسلامی را نگه دارد، ضمنا "میهن" را مقدس کند تا خرافات دیگری بنام "فرهنگ ایرانی" به خورد نسل جوان بدهد، ضمنا جلو "بی بنیوباری" نسل جدید را بگیرد، ضمنا فتنیله توقعاتشان را پایین بکشد و غیره و غیره؛ چرا؟ چون هدفش احیای سرمایه داری است و این در کشوری مثل ایران، با آزادی های سیاسی و مدنی، با فرهنگ مدرن و پیشرو، با گشایش و خلاصی اخلاقی که شرط حرکت و شکوفایی آزادانه جوانان است خوانایی ندارد.

احیای سرمایه داری در ایران نیازمند تامین کار ارزان و کارگر خاموش و بیحقوق است. موجودیت اپوزیسیون راست برای همین است. و ناگزیر است که در برابر جولان آلدیخواهانه نسل جوان، در برابر جنبش خلاصی اخلاقی آن و در برابر تحقق آرزوها و شکوفایی استعدادهایش قرار بگیرد، چون منبع بازتولید کار ارزان، همین نسل جوان است که اکثریت عظیمش به طبقه کارگر و توده کارکن و زحمتکش جامعه

تعلق دارد. هیچ بخشی از بورژوازی بدون بر پا کردن بساط سرکوب آردلیها نمیتواند سرمایه داری را در ایران بازسازی و راه اندازی کند.

جوانان حکمتیست: اشاره کردید که تحقق نیازهای متنوع نسل جوان، مطلق شعار "به هر کس به اندازه نیازش" با تکنولوژی امروز امکانپذیر است. میشود بیشتر توضیح بدهید؟

فاتح شیخ: امروزه مالکیت بورژوازی (که بیان حقوقی مناسبات تولیدی سرمایه دارانه موجود است) بدو بدو بنیال جهش امکانات تولیدی و تکنیکی دسترسی همگان به نیازهایشان میبود و با چنگ و دندان میکوشد آن را در چارچوب منافع یک اقلیت کوچک جامعه، طبقه صاحب سرمایه، محدود کند. این شکاف، وحشتناک است. نسل جوان نیروی اجتماعی تازه نفس و پرتوش و توانی است که با زندگی اش، با نیازها و خواستها و آرزوهایش و با خلاقیت های بیکرانش این شکاف را مدام بازتر و بازتر میکند. شکاف توان تولیدی و تکنیکی بشر امروز برای جواب دادن به نیازهای همگان، با مالکیت طبقاتی و وسائل تولید را میگویم.

اگر رهایی طبقه کارگر و رهایی کل جامعه، کل بشریت، در گرو لغو کار مزدی و مالکیت طبقاتی است تحقق عملی این رهایی، حاصل تحرک جنبش های طبقاتی و اجتماعی معینی است که نسل جوان یک نیروی عظیم آن است. برخلاف ذهنیت کلیشه ای چپ سنتی، نقش پرولتاریا در رهبری تحولات جامعه بسوی رهایی، از اجبار اقتصادی بخش عظیم جمعیت جامعه به کار مزدی در میآید نه از وضعیت "کارگران" بعنوان یک صنف و به معنی آحادی که روزمره کار میکنند و مزد میگیرند. بخش مهمی از

تحولات دنیای امروز از کانال تحرکات اجتماعی ای میگردد که "کارگر" به معنی صنفی مورد نظر چپ سطحی و مریخی، الزاما در آن حضور فعال بالفعلی ندارد. آنچه ضروری است و باید مدام برای تامینش کار کرد، حضور فعال و رهبری کننده سیاست کارگری و افق و چشم انداز سوسیالیستی در این تحرکات و جنبش های اجتماعی است. اعتراض زنان، نیمه بیشتر جامعه، علیه موقعیت زیردستی که تقابل کار و سرمایه بازتولید و بر آنان تحمیل میکند، به جنبش های قائم بذاتی با تأثیرات مهم اجتماعی، برای نفی این موقعیت شکل داده است. موقعیت نسل جوان هم همینطور است.

سرمایه داری معاصر، تضاد بنیادی کار و سرمایه، نیاز به بازتولید دائم طبقه کارگر و اجبار اقتصادی اکثریت جامعه به کار مزدی، دالما موقعیت محروم و تنگ و نامانی به نسل جوان تحمیل میکند. امروز بورژوازی در ایران توحش اسلامی را ابزار اپیدولوژیک بقا و بازتولید اقتصادی سرمایه کرده است. اجبار اقتصادی در سایه رژیم اسلامی به وفور با اجبارهای غیر اقتصادی تحمل ناپذیری ساپورت و پاسداری میشود.

جایگاه عینی جوانان، حاصل ترکیب وحشتناک این اجبارهای اقتصادی و غیر اقتصادی است. این جایگاه، نسل جوان را در موقعیت ایفای نقش مضاعف مهمی، هم در صحنه سیاست و هم در جدال اپیدولوژیک و فرهنگی یعنی مبارزه علیه اسلام و ضد ارزشهای اسلامی و سنتی گذاشته است برای کمونیستی که رابطه متقابل روینا و زیربنا را آطور که مارکس فهمیده و آطور که منصور حکمت به دنیای معاصر من و شما شناسانده بفهمد، برای کسی که جایگاه

**به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست پیوندید!**



### کافی است نسل جوان...

اراده انقلابی و پراتیک فردی و جمعی انسانها در تغییر دنیایشان را درست درک کند و اینها را نه در خاکستری "مقولات" بلکه در خود زندگی سبز ببیند و بشناسد و لمس کند، درک اهمیت نقرت عظیم و عمیق ضدمنذهبی نسل جوان امروز ایران، که به آن اشاره دارید، باید آسان باشد.

**جوانان حکمتیست: عصیان نسل جوان از نظر شما چیست؟ چه عواملی باعث طغیان این نسل علیه وضع موجود می شود؟**

**فاتح شیخ:** دو برداشت محدود از رفتار اجتماعی و سیاسی نسل جوان رایج است، یکی عصیانگری نسل جوان است و دومی اینکه گویا نسل جوان از سر آگاهی، علیه وضع موجود بپا میخیزد. این دومی بخصوص در مورد "دانشجو" که معمولا به مفهوم عمومی "روشنفکر" نزدیک است، بیشتر در ذهن جا گرفته است. هیچیک از این دو برداشت کل و واقعیت "نسل جوان" را تصویر نمیکند، گرچه هر کدام به جنبه معینی اشاره دارند. نسل جدید پدیده اجتماعی پیچیده ای است فراتر از ماحصل رفتار عصیانگرانه جوانها، و ریشه دارتر از ماحصل معرفتی و آگاهانه آنها. خود این ترم "عصیان" بار منفی ای به همراه دارد؛ گویا رفتار نسل جوان خودبخود فراطبی و بهم ریخته است و باید "کنترل" و "مهار" شود! برنامه های "هدایت" و "مهندسی افکار" و "مقابله با ناهنجاریها" و یا آلترناتیو اسلامی آن "ارشاد" و شلاق زدن، در ارگانهای دولتی و در "علوم اجتماعی" رایج دانشگاهی، به این تصویر مربوط است که گویا جوانان طبیعتا عصیانگر و "بی بنوبار" اند و جامعه (به معنی دولت و ارگانهای اداره جامعه) باید مواظب باشد دست از پا خطا نکند!

و واقعیت اینست: وقتیکه نسل جوان،

بخش اعظم آن، به سهولت به امکانات رفیع نیازهای دسترسی ندارد، برای کسب آنها دست به تلاش میزند. و انبمماند. محافظه کاری نمیکند. جرات و جسارت به خرج میدهد. جستجوگر میشود. سریع سر از سوراخ سنبه ها در میآورد. حنود و ثغور را می شناسد و می شکند. نسل جوان تسلیم نشده. به تمیزه شدن گردن نگذاشته. تجمع گراست. اینها خصوصیات انسانهای مسخ نشده، خصوصیات شکست نخوردگان

انداختن اراده جورانه و انقلابی اش، عملا کمک میکند که روندهای حرکت جامعه متحقق شوند. این موقعیت اجتماعی است که دست و پنجه نرم کردن با نظام سیاسی حاکم و ارزش های حاکم بر جامعه را در دستور نسل جوانش میگذارد، و خیلی وقتها آگاهی بالفعل اکثر جوانان به این موقعیت و این نقش خود، محدود است. پروسه و پتانسیل تبدیل شدن نسل جوان به "مانتریالیست پراتیک یعنی کمونیست" از طرفی تابع



است. نسل جوان بخشی از انسانیت است که مناسبات سرمایه داری تماما موفق نشده آن را مسخ و اخته و از خودبیگانه کند. در حال جنگ و جدال و کشاکش است. طبقه حاکم به این میگوید عصیان و به نسل جوان مهر عصیانگر میزند. من و شما میگوییم نسل شکست نخورده. انقلابی. شورشی. خانق جریان. راییکال. کمونیست. این وسط اوصاف "ملایم" تر و "میانه رو" تری مانند "سیویل کواژ" (civil courage) هم هست، حالت کسانی که به حقوق خود آشنا هستند، با جسارت از آن دفاع میکنند، اما پا از گلیم قانونی شان درازتر نمیکند. بستگی دارد که کجای جامعه ایستاده ای و از چه زویه ای به نسل جوان نگاه میکنی.

**جوانان حکمتیست: رابطه نسل ها در جنبش کمونیسم کارگری چگونه است و احساس خودتان را با این نسل چگونه تعریف می کنید؟**

**فاتح شیخ:** نسل جوان امروز، از نسل ما که سی چهار سال پیش وارد سیاست شده ایم به مراتب بادانش تر، باسولنتر، بااطلاع تر، بپیچیده تر، کتابخوان تر، فیلم بین تر، سیاسی تر، باارتباط تر با دنیای بیرون جامعه و به این معنی "جهان بین"تر است. برای جنبش کمونیسم کارگری که از همه جنبش های اجتماعی آینده نگرتر

است، مساله نسل جوان، کلیدی و تعیین کننده است. دورانی خلیل ملکی نسل جوان را "نسل بی سیم" (بی هویت) توصیف میکرد، زمانی آل احمدها و شریعتی ها در صند برگرداندن نسل جوان ایران از "غربزدگی" به هویت و "اصالت" بومی-اسلامی برآمدند، در تمایز از اینها میتوان به نمونه امیر حسین آریابور اشاره کرد که به همان اندازه که مدرن تر و غربی تر بود تاثیر پیشروی بر دو نسل متوالی از دانشجویان، در دوره پیش از انقلاب ۵۷، بجا گذاشت. برخورد امروز امثال دولت آبادی، براهنی و مشایخی به جوانان و زنان در همان صفحه برخورد ارتجاعی ملکی و آل احمد و شریعتی ادامه دارد. اعتراف دولت آبادی در "شام غریبان" امسال که نسل جوان امروز ایران را نمیفهمد به روشنی گویای غریبه بودن دایناسورهای سنت روشنفکری اسلامزده و شرقزده ایرانی با نسل جوان امروز ایران است.

شانس نسل جوان امروز اینست که با یک جنبش زنده حاضر در صحنه، با جنبش کمونیسم کارگری و پرچمدار بلند قامت آن منصور حکمت روبرو و آشناست. منصور حکمت با ۲۲ سال کار سیاسی و نظری عظیم راه را برای پیشرفت نسل جوان کوبیده است. جنبش کمونیسم کارگری برخورد متفاوتی به نسل جوان دارد که متناسب با دیدگاه عمومی آن است. از دیدگاه کمونیسم کارگری به این پدیده نگاه کنید به این نتیجه میرسید که نسل جوان یک نیروی محرکه قوی برای تحقق تغییر و تحول در جامعه است و این نه از سر عصیانگری جوانان و نه حتی از سر آگاهی آنان بلکه از سر حرکت پراتیکی این مجموعه انسانی است. هر درجه عصیانگری و آگاهی شان هم حاصل این موقعیت اجتماعی و نیازها و خواستها و امیال و آرزوهای واقعی انسانی و جهانشمول آنهاست. نشریه "جوانان حکمتیست" باید پرچم این نوع کمونیسم را محکم بدست بگیرد و وسط جامعه بکوبد.

**اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است!**

(منصور حکمت)

**نشریه جوانان حکمتیست را بخوانید و آن را تکثیر و پخش کنید.**

**تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست**

دبیر سازمان: بهرام مدرسی  
bahramsjk@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۰۲۰۱  
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۲۶۱۲

سردبیر: فواد عبداللهی  
foadsjk@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

مشاور سردبیر: محمد فتاحی  
m.fatahi@ukonline.co.uk

مسئول خارج کشور: جمال کامانگر  
jkamangar@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

مسئول مالی: نسیم رهنما  
nasimrahnamadk@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۲۴۲۴۵



**حرفهای قرآنی و**

**امیرقاسمی!**

یکی از بهترین قسمت های ما مبارک همین شبهای قدر است. به قول یکی از دوستان همه ماه رمضان به طرف این شبهای پر فیض قدر هم یک طرف جدا هم راست می گفت. ما به هر کی زنگ زیم یا ودکا آماده کرده بود برای شب قدر یا با دوست دخترش قرار داشت که دوتایی برن تا دم دمه‌های سحر فیض ببرن!

من هم برای اینکه سرم کلاه نرفته باشه خوردم رو برای شب قدر کم کم آماده می کردم و به قول معروف توشه راه سپری کردن قدر را آماده می کردم. دویدم تا مغازه ها نبستن چیبیس و ماست رو خریدم و با شیشه عرق منظر شدم تا خدا درهای رحمتش رو به روی ما هم بگشاید. حوصلم سر رفته بود. مطمئن بودم که کانلهای تلویزیون لاریجانی و اخیرا زرقلی برنامه به درد بخور نداره. اما شناسی دستم خورد به شماره سه و دیدم به به حاج آقا قرآنی پشت دوربین نشسته و سعی می کنه خودشو ناراحت نشون بده. واقعا حرفهایش باعث انبساط خاطر شد در این شب عزیز. خطاب به مسئولین مسجدها می گفت:

"امشب شب قدر است نه شب جمع کردن پول برای تبدیل کردن زیراندازهای نخی به پشمی. امشب شب احیاست نه تبدیل نخ به پشم! سعی کنید یک امشب رو به مردم در مساجد خوش بگذره. امشب شب حال دادن و حال کرنه!

وقتی می بینید مردم خسته شدن دو دقیقه هم برنامه رو سرپا اجرا کنید تا پاهای مردم درد نگیره. برلرها سعی کنید دعاها رو زیاد طولش ندید که مردم خوابشون بگیره و دیگه مسجد نیان." بعشتم با تشویق دانشجویها به لومدن در مساجد دانشگاهها حرفهایش رو تموم کرد. منم ناراحت از اینکه تلفک به این خوبی رو از دست داده بودم زدم کانلهای ماهواره ببینم چی داره جز صدای رقت بار نی و تاز چیزی دیگه ای توی این کانلهای فارسی نبود که نبود.

غیر از کانلهای باشرفی نظیر پی ام سی که کلا برنامه هاشون رو به

خاطر کله مبارک علی قطع کرده بودن بقیه هم دست کمی از لونها نداشتن و همه سعی داشتن به طوری بگن که شیعه دولتیسه علی هستن. من که اگر به جای مسئولین جمهوری اسلامی بودم همه کانلهای رو بدون کم و کاست خوردم واسه همه پخش می کردم. والا شبکه جام جم جمهوری اسلامی از این کانال امیرقاسمی و شب خیز بهتر بود. باز خوبه شب خیز به تبلیغ روغن نباتی لکتفا کرد و تبلیغ بوش رو نکرد. اما امیرقاسمی که اومد و باحرارت پیروزی بوش رو تو انتخابات به همه تبریک گفت و این جمله رو بلندتر از بقیه جملاتش گفت که: "بوش بازم مثل همیشه زد و داغون کرد." بعد هم نوبت اون دستپاراش شد که خودش رو نشون بده که واقعا جمله ای گفت که شاخهای من داشت می درمی یومد:" همسر بوش چون زن مهربون و متینی هست و همیشه پشت بوش وایستاده برنده شده و کری چون آدم زن ذلیلی هست انتخاب نشده"

داشتم با خوردم فکر می کردم یا این کسائی که اونور پشت تی وی هستن خیلی بی شعورن (با عرض معذرت) یا جوونهای توی ایران خیلی باشعور. این جوون ها با هزارتا بدبختی و تحت فشار بودن این قدر می فهمن و ضد زن نیستن که حتی تحلیل های سیاسی شون از فکر مریض ضد زنشون منشا داشته باشه. اما امیرقاسمی که ادعای سیاسی نبوتش در بقیه حالات می شود و تا کسی از جمهوری اسلامی بد میگه تلفکش رو قطع می کنه، تنها نبود.

یکی از مجری های بن تی وی خیلی راحت این جمله رو بدون هیچ شرمی گفت که: "این بیچاره جرج بوش آدم خیلی خوبی هم هست. خلاصه هفت میلیارد نفر آدم برای کره زمین زیاده. ما باید از جرج بوش تشکر هم بکنیم که جمعیت دنیا رو به صورت کنترل می کنه! ما نباید ناراحت این مسئله باشیم که مثلا در جنگ آنها می میرن!"

لجم گرفته بودن از این همه حماقت. هر چی خورده بودم کوفتم شد. منم زدم منتظر نشستم تا برنامه های مناسب شب قدر کانال ایکس ایکس ال شروع بشه و ما هم از این شب پر خیر و برکت فیض ببریم.

**امضا: خورم**

**اوسا مراد**  
azadibayan.blogspot.com

در این ماه "مبارک" چون موقع افطار این ترافیک لعنتی تهران کمی آرام می گیرد و تازه خیابان های شهر می توانند کمی نفس بکشند، من اگر کاری داشته باشم همه را به افطار حواله می کنم. در یکی از همین افطراهای ماه مبارک بود که برای خرید کفش رفته بودم. توی مغازه بودم و داشتم کفش را این پا و آن پا می کردم که پیر مردی وارد مغازه شد. لباس کهنه اما تمیز و اتو کرده ای به تن داشت. رو به صاحب مغازه کرد و با حالتی محترمانه گفت: آقا ببخشید میشه به من کمکی بکنید؟ صاحب مغازه شروع کرد به دلا و بیداد و اینکه برو از کمپته امداد امام بگیر و من دارم کلی مالیات میدم که امثال تو رو از خیابون ها جمع کنند و از این حرف ها. پیر مرد گفت آقا من گدا نیستم که بخوان من رو جمع کنند. درست صحبت کنین لطفا. به طرف من آمد. از موهای سپیدش معلوم بود که سنش حد اقل ۵۵ یا ۶۰ باشد. دستم را گرفت. گفت: پسرم. من گرسنه ام. ولی مهم نیست. دیگه عادت کردم اما خودت نمای دست من رو ببین که چقدر داغه. دارم از تب می سوزم. به پولی به من بده تا این درمانگاه سر خیابان برم. وقتی دستم را گرفت حس کردم این آدم حد اقل ۳۹ درجه تب دارد. به اینکه توانسته بود با آن سنش، خودش را روی دو پا نگاه دارد شک کردم.

این جا همان لحظه ای بود که از "بودنم" حالم به هم می خورد. شاید آن لحظه فردین بازی ام گل کرد و برای رفع عذاب وجدانم به او دو هزار تومان دادم. اما مساله به این سلگی ها نبود. جلوی چشمان همه ما به راحتی فاجعه ای در حال رخ دادن بود و ما برای اینکه فاجعه را نبینیم و رفع تکلیف کنیم در بهترین حالت اسکناسی از جیبمان بیرون می آوریم.

وقتی مومنین و حاج آقا ها و کسبه محترم بازار به هنگام افطار چلو مرغشان را با دوغ محلی هورت می کشند و آروغی چاشنی آن می کنند و بخاطر روزه شان از خداوند

**کنفرانس اول سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به تاخیر می افتد!**

**بدین وسیله به اطلاع عموم می رسانیم که کنفرانس اول سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به تعویق می افتد. تاریخ برگزاری این کنفرانس در آینده به اطلاع عموم خواهد رسید.**

**هیئت اجرائی سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست ۷ نوامبر ۲۰۰۴**

متعل "حوری" و "ارخت هلو" اول زندگی شان است. اما اینجا طلبکار می شوند، آن طرف ویتترین آملهایی هست که نه تنها دارد از تب می سوزد بلکه به گرسنگی "عادت" کرده است و برایش "مهم نیست" که گرسنه است. مطمئنا آن مغازه اولین جایی نبود که او به آنجا قدم گذاشته بود و به احتمال زیاد به سینه اش دست رزده بودند.

شاید بیماری اش را با دوهزار تومان پول بتوان خرید اما کمر غروری که شکسته است، حرمتی که از بین رفته است را با چند هزار تومان می توان خرید؟ می گویند در جامعه فقر هست اما بدون چنین صحنه هایی فاجعه را به این روشنی نمی توانید ببینید.

همه جای دنیا وقتی سن بلزنسستگی کسی می رسد تازه متعل "حوری" و "ارخت هلو" تازه بدبختی ها و گردن کج کردن ها شروع می شود. زندگی ای که بخش عظیمی از ما داریم زندگی نیست. باید اسم دیگری برایش انتخاب کرد. به خیابانی که آم ها دارند در آن راه می روند یک لحظه با دقت نگاه کنید. چند نفرشان این آم ها ته جیب شان بالای دو هزار تومان پول هست؟ چند نفرشان هفته ای یک وعده گوشت در غذا دارند؟ چند نفرشان خانه و اتومبیل و کامپیوتر دارند؟ چند نفر؟

فاجعه بزرگ تر از این حرف هاست. پیرمردی که آنروز دیدم می تواند آینده پدر و پدر بزرگ ما و یا شاید خود ما باشد. این دنیا کثافت است. باید واژگونش کرد.

**واحد بریتانیای سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست تشکیل شد.**

روز شنبه ۲۰ اکتبر طی جلسه ای که با حضور تعدادی از جوانان پرشور برگزار شد واحد بریتانیای سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست فعالیت خود را رسماً آغاز کرد. در این جلسه جمال کمانگر دبیر تشکیلات خارج کشور و فواد عبداللهی سردبیر نشریه جوانان حکمتیست نیز شرکت داشتند. فریده فرجی بعنوان دبیر واحد و آرش شهابیان مسئول مالی سازمان انتخاب شدند.

**ما جوانان آزادیخواه و برابری طلب را به پیوستن به سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست فرا میخوانیم.**

سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست-واحد بریتانیا  
۱ نوامبر ۲۰۰۴  
تلفن تماس: ۰۷۹۶۰۴۳۸۱۸۷  
Sara81\_59@yahoo.com

## ساناز هاتفی هشتم، دختری ۱۸ ساله!

من یک دختر ۱۸ ساله هستم. ولی هیچ وقت نتوانسته ام شیرینی این سنین را حس کنم. چون در جامعه ای که هستم نباید ۱۸ ساله رفتار کنم، باید به سن یک زن ۳۰ ساله رفتار کنم و خود را نمایان کنم. این تنها شامل من ۱۸ ساله نیست، بلکه هزاران دختر به سن و سال من، بیشتر یا کمتر وجود دارند که باید در محیط اجتماعی خود، خوششان نباشند؛ محیط اجتماعی که چه عرض کنم حتی در محیط خانواده! بیشتر از سن فهمیدن در خیلی از مواقع خوب است ولی در خیلی از موارد باعث می شود که آدم چیزهایی را تحمل کند دیگر در توان سنش نباشد. فشارهایی به او وارد شود که مناسب حالش نباشد. پس از همین اول نتیجه میگیریم و یاد میگیریم که بگوئیم: های دخترهای جوان ایرانی! خودتون نباشید. در خیلی از مواقع ما دختران ایرانی با فرهنگ رایج در جامعه که طبق میلان نمی باشد باید کنار بیاییم. از خوشی ها، لذت

زمانی که در ایران یک زن کنار خیابان می ماند يك دقیقه هست. چون هزار تا ماشین جلوی پایت ترمز می کنند. هر دقیقه جلویت را می گیرند، اعصاب آدم بد تر خورد می شه. حالا کاش وقتی جلوی پای آدم ترمز می زند حرف های درستی بزنند. اما واقعا توهین آمیز صحبت می کنند: خانوم، شوهر نمی خواد؟ مامانت به دوما خوبه مثل من نمیخواد که هم پولدار باشه و هم خوشتیپ؟ خیلی خوشگلی کاش "مال" من بودی! آگه دل منو میشکونی دل رفیقم رو نشکن. بعضی دیگر وقیح ترند و اینطور می گویند: اون که می جنبه نرخش چنده؟ زیپ شلوارت بازه، بیام ببندمش؟ روپوشت تو شلوارت گیر کرده و ...

با این اوضاع جامعه متأسفانه فقط یک آزادی از ما دختر ها گرفته نمی شود، بلکه شامل خیلی چیزهاست. حالا بیایید یک جای ننگه رو برای شما مثال بزنم. جایی که باید محیطی سالم و دلپذیری برای ما داشته باشد. موسسات کنکور و دبیرستان های دخترانه. این موسسات برای خود عالمی دارند. شاگرد بر اساس نیازش به استاد، به او وابسته می شود. مخصوصا وقتی زمان کنکور باشد و بخواهی یک سال با دبیر خود سر یک کلاس باشی، ولی خیلی از همین دبیران محترم از این وابستگی ها سو استفاده می کنند، محبت خود را در ظاهر نشان می دهند بعد بحث کلاس خصوصی را پیش می کشند و دیگه خوندان بهتر می دانید. نمونه همین مهندس وزیری که در موسسه بعثت تهران به جرم تجاوز به یکی از شاگردان دستگیر شد. هزاران نمونه از این دختران هستند که از ترس "آبروریزی" حتی نمی توانند شکایت کنند.

حالا این ها همه به کنار. یک مثال کوچکتر می زنم. شما به عنوان یک دختر در این جامعه موقع خرید هم نمی توانید آزاده عمل کنید، توی پاساژ راه می روی، ۱۰۰ نفر می افتند دنبالت و مزاحمت می شوند، می روی توی یک مغازه یک لباسی، کیفی یا چیز

دیگری بخری، فروشنده شروع به لاس زدن می کند که اصلا قید خرید را می زنی. حالا این ها هیچ به تازگی مغازه داران جوان توی اتاق پرو دوربین کار گذاشته اند آنجا هم امنیت ندارای ممکن است فیلمت را تکثیر کنند که تا بحال چنین شده است. این هم از یک خرید ساده و خیلی چیزهایی که بنظر برای هر پسری ساده است ولی برای دختران جزو سختترین کارهاست. چیزهایی که پسران به آسانی و شاید هم از روی عادت قادر به انجام آن هستند ولی دختران باید با هزار تا، تن لرزه انجام دهند. خلاصه که این جامعه ای است که ما در آن زندگی می کنیم. جامعه

### تلویزیون حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست شروع به کار می کند!

تلویزیون حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، تلویزیونی چپ، رادیکال، آزادیخواه و برابری طلب است.

برنامه های این تلویزیون را ببینید و دیدن آن را به همه دوستداران آزادی و برابری توصیه کنید.

تلویزیون حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تربیونی از آن همه کسانی است که در خفقان اسلامی به دنبال رسانه ای باز و حقیقت جو می گردند. این برنامه ها به زودی هر دوشنبه ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ شب به وقت تهران (۷ تا ۹ شب به وقت اروپای مرکزی و ۱۰ تا ۱۱ صبح به وقت امریکای شمالی) از کانال یک پخش می شود.

این برنامه ها سه شنبه ها ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ صبح به وقت تهران (۷ تا ۸ صبح به وقت اروپای مرکزی) مجدداً پخش می شود.

مشخصات کانال:

Telstar 12, Freq: 11494.5 MHz,  
Polarity: Vertical, Sym Rate:  
17, 4687ms inf Rate: 24, 148Mbps,  
Video PID 1760, Ahdio PID 1720  
FEC: 3/4

برای شنیدن برنامه روز رادیو پرتو  
به این سایت مراجعه کنید:  
[www.radiopartow.com](http://www.radiopartow.com)

از سایت سازمان جوانان  
کمونیست - حکمتیست دیدن کنید.  
[www.sjk-hekmatist.com](http://www.sjk-hekmatist.com)

از این سایت ها دیدم کنید:

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)  
[www.iskraa.com](http://www.iskraa.com)  
[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)  
[www.rahai-zan.com](http://www.rahai-zan.com)  
[www.sjk-hekmatist.com](http://www.sjk-hekmatist.com)

